

نظام آوایی زبان فارسی

محمود بی‌جن‌خان. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱. چاپ نخست، ۳۵۶ صفحه.

۱. بررسی شکلی

کتاب دارای پیش‌گفتار، بیان صریح هدف، مقدمه فصل، فهرست مطالب به‌صورت تفصیلی، نتیجه‌گیری، جدول و تصویر و فهرست منابع است.

باوجود آنکه در بسیاری از موارد مطالب کتاب با زبان فنی و کاربرد اصطلاحات بسیار مطرح شده است، متن کتاب کاملاً روان و قابل فهم است. در واقع، می‌توان گفت، نویسنده از زبان علمی که فاقد پیچیده‌گویی و ابهام است، به‌خوبی در کتاب بهره گرفته است. از این لحاظ می‌توان گفت، تدریس چنین کتاب‌هایی به تقویت کاربرد زبان فارسی به عنوان زبان علم هم کمک می‌کند.

به‌طور کلی در همه کتاب، قواعد و نگارش فارسی به‌خوبی رعایت شده است، و بر این اساس می‌توان گفت، کتاب به‌صورتی دقیق ویرایش شده است. اما بهتر آن بود که در رعایت نیم‌فاصله در مورد «ها» هم رعایت می‌شد، به ویژه اینکه چسبیدن «ها» به پایه خود در مواردی مانند «سایشیها» یا «انسایشیها» (ص ۲) و «رسولزاده» (ص ۴) اندکی شکل ظاهری واژه را نامانوس و غریب می‌کند. همچنین در مواردی نیم‌فاصله اصلاً رعایت نشده است: «پاره گفتار» و «شرکت کنندگان» (ص نه)، «شرکت کننده» (ص ده)، «می آید» (ص سیزده)، «پاره گفتار» (ص ۱۱). به نظر می‌رسد، اگر دو بخش واژه‌هایی چون «واکرفته» (برای نمونه، ص ۱۱) و «واجگونه» (برای نمونه، ص ۱۲) هم با نیم‌فاصله از هم جدا شود نوشتار فارسی نظام‌مندتر و شفاف‌تر می‌شود. به این موارد می‌توان اشتباهاتی چون «محر کها» (ص یازده)، «گسترده گی» و «ر گرسیون» (ص دوازده) را نیز افزود. همچنین بین «واج» و «شناسایی» در «واج‌شناسایی» (ص ۲۰) باید فاصله گذاشته می‌شد؛ و در زیرنویس صفحه ۲۴ نیز برابر انگلیسی «تروبتسکوی» به‌صورت “Trubletzkoy” آمده است که اشتباه است.

از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، طرح جلد و... کتاب در کل از وضعیت مطلوبی برخوردار است، به گونه‌ای که آن را مناسب یک کتاب درسی و آموزشی کرده است. البته اگر حاشیه

متن از هر چهار سوی صفحه بیشتر بود به لحاظ دیداری متن را پذیرفتنی تر می کرد، به ویژه اینکه در متون آموزشی شکل ظاهری متنی که یادگیرنده می خواند در ایجاد انگیزه یادگیری او موثر است. درس های آواشناسی و واج شناسی در دوره های کارشناسی ارشد و دکتری زبان شناسی هر یک در قالب دو واحد ارائه می شود. با توجه به آنچه مطالب کتاب تخصصی و در بسیاری از موارد فنی و جزئی است، شاید حجم آن (ص ۳۵۶) برای دو واحد درسی - دست کم در دوره کارشناسی ارشد - اندکی زیاد به نظر آید اما با توجه به آنکه این کتاب به طور معمول باید در کنار منبع عمومی تری در زمینه آواشناسی یا واج شناسی به دانشجو معرفی شود، می توان گفت، حالت بهینه استفاده از آن در دوره دکتری است که از دانشجو انتظار می رود نگاه ژرف تری به موضوعات داشته باشد. همچنین این کتاب برای دوره های خاصی که به طور مشخص برای بررسی نظام آوایی زبان فارسی ممکن است برگزار شود، می تواند بسیار سودمند باشد.

۲. بررسی محتوایی

نویسنده کتاب متخصص واج شناسی است. همین باعث شده است که او در سراسر کتاب اصطلاحات تخصصی حوزه آواشناسی و واج شناسی را به صورت مناسب و یکدستی به کار برد. از سوی دیگر، با توجه به موضوع کتاب، طبیعتاً این کتاب در بردارنده مفاهیم نو و تخصصی بسیاری است که هنوز در نوشتگان زبان شناسی فارسی آنچنان که باید جا نیفتاده است، از این رو به نظر می رسد، چنین کتابی در تثبیت این دست از اصطلاحات نیز می تواند کارآمد باشد. نکته مثبت دیگری که درباره اصطلاحات تخصصی کتاب دیده می شود، این است که خواننده به راحتی می تواند آنها را درک کند و با توجه به شکل ها، طیفها و جدول های مختلفی که در کتاب آورده شده است، معنای دقیق آنها را دریابد. واژگان تخصصی اصلی کتاب در دو واژه نامه انگلیسی-فارسی و فارسی-انگلیسی کتاب آورده شده است.

معادل سازی اصطلاحات تخصصی در کل خوب انجام گرفته است، به گونه ای که پیشینه آنها شفاف و با ذهنیت داندگان زبان فارسی سازگار است. البته در مواردی با توجه به معنای تخصصی اصطلاح به نظر می رسد که امکان دادن برابری دقیق تر هم وجود داشته است. برای نمونه، با توجه به توضیحاتی که در صفحه ۲۱ درباره «همسایگی شباهت» به عنوان برابری «similarity» neighbourhood» داده شده است، به نظر می رسد بهتر بود که ترکیب انگلیسی به «همسایگی مبتنی بر شباهت» یا «همسایگی شباهت بنیاد/ شباهت محور» ترجمه می شد. همچنین با توجه به

توضیحاتی که درباره «تکلیف امتزاجی» داده شده است، به نظر می‌رسد، دقیق‌تر این بود که «cross-modal» در صفحه ۱۷ به‌جای «چندرسانه‌ای» برای نمونه به «چندحسی» ترجمه می‌شد، به‌ویژه اینکه در زبان فارسی «چندرسانه‌ای» تداعی‌کننده «multimedia» است، و اکنون در حوزه‌های بسیاری به‌عنوان برابر نهاد آن به‌کار می‌رود. همچنین بهتر بود، برابر انگلیسی «خراب گوییه‌ای» (ص ۵) هم در زیرنویس آورده می‌شد، تا خواننده بهتر متوجه منظور مولف از این واژه شود.

درباره میزان و چگونگی بهره‌گیری از ابزارهای علمی (طرح بحث مقدماتی، جمع‌بندی نهایی، تمرین و آزمون، نمودار، جدول، آمار، مقایسه، تصویر، نقشه و...) برای تفهیم موضوع، کتاب نمره بالایی می‌گیرد. چون افزون‌بر پیش‌گفتار در آغاز کتاب، شش فصل نخست کتاب دارای مقدمه است و زمینه ورود به موضوع فصل را فراهم می‌کند. همچنین در سراسر کتاب جدول‌ها و شکل‌های زیادی آورده شده است که در فهم مطالب کتاب بسیار موثر است. آن‌گونه که در صفحه ۲ کتاب توضیح داده شده است، در تدوین مطالب کتاب از نرم‌افزارهایی چون «پرت»، «گرفر» و «اکسل» نیز استفاده شده است. فصل هفتم کتاب نیز «نتیجه‌گیری» است که در آن مولف تلاش کرده است با توجه به مطالب فصل‌های پیشین به پرسش اصلی پژوهش و چند پرسش دیگر پاسخ گوید از این‌رو، این فصل هم در درک مطالب، کمک زیادی به خواننده می‌کند.

کتاب به صورتی چارچوب‌مند، نظام آوایی زبان فارسی را بررسی کرده و هر جا که لازم بوده با ارائه شکل‌ها و جدول‌های مختلف موضوع را روشن‌تر بیان می‌کند. با مقایسه این کتاب با کتاب‌های دیگری که در زمینه نظام آوایی یا آواشناسی زبان فارسی نوشته شده است، می‌توانیم بگوییم که این کتاب از سطح توصیف صرف و سنتی فراتر رفته، و با بهره‌گیری از ابزارهای علمی تحلیل‌های دقیقی در هر مورد ارائه کرده است. مطالب مطرح‌شده در کتاب نیز از انسجام لازم برخوردار است، و در جایی از کتاب پراکندگی یا نامربوط‌گویی دیده نمی‌شود.

محتوای کتاب با عنوان آن هماهنگ است، و هرآنچه در آن آمده است مربوط به «نظام آوایی زبان فارسی» است. آنچه در فهرست کتاب آمده، در فصل‌های هفت‌گانه آن بازتاب یافته است، و هر فصل با یک مقدمه‌چینی اولیه، وارد موضوع می‌شود و سپس آن موضوع بسط داده و تحلیل‌های مربوطه ارائه می‌شود.

این کتاب را می‌توان در هر دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری زبان‌شناسی به‌عنوان منبع درسی درس‌های آواشناسی و واج‌شناسی معرفی کرد. اما همان‌گونه که اشاره شد، تخصصی بودن بسیاری از مطالب، همراه با جزئیات آن باعث می‌شود، آن را بیش از آنکه مناسب مقطع کارشناسی ارشد بدانیم،

مناسب مقطع دکتری بدانیم. البته این کتاب را می‌توان در دوره‌های کارشناسی گرایش‌های مختلف رشته زبان انگلیسی و البته کارشناسی ارشد و دکتری این رشته‌ها نیز به دانشجویان علاقه‌مند به موضوعات آواشناسی و واج‌شناسی معرفی کرد.

در مورد روزآمدی منابع کتاب که منبع برخی اطلاعات و داده‌ها است در ادامه صحبت خواهیم کرد. افزون‌براین، مولف در نوشتن این کتاب هم به انگاره‌های جدیدی که در زمینه موضوع کتاب ارائه شده توجه داشته است، و هم در بررسی و تحلیل داده‌های کتاب از نرم‌افزارهای جدید بهره گرفته است. بنابراین داده‌ها و اطلاعاتی که او در این کتاب به‌دست داده و شیوه بررسی و تحلیل آنها به‌اندازه کافی روزآمد است.

یکی از ایرادهایی که در بسیاری از پژوهش‌های منتشرشده در کشور ما وجود دارد این است که پرسش و هدف از انجام پژوهش در آنها چندان مشخص نیست، و به همین دلیل خواننده در بسیاری از موارد تنها با مجموعه‌ای از اطلاعات روبه‌رو است که بخش زیادی از آن هم در منابع دیگر قابل دسترسی است. خوشبختانه کتاب مورد بحث ما از این ایراد هم به‌دور است. بدین دلیل که در فصل نخست کتاب این پرسش را مطرح کرده است که «... چگونه است که اهل زبان قادرند به راحتی زنجیره پیوسته آواهای گفتار را به‌صورت زنجیره گسسته کلمات زبان درک کنند؟» و پس از بررسی‌هایی که در پنج فصل دیگر کتاب انجام داده است، در فصل هفتم که فصل پایانی این کتاب است دوباره به این پرسش برمی‌گردد و با توجه به یافته‌های پژوهش از «فصل دوم تا ششم» به این پرسش پاسخ می‌دهد. بنابراین این نگاه چارچوب‌مند و مبتنی بر پرسش را می‌توانیم یکی از نکات برجسته این کتاب به حساب آوریم. معرفی چند انگاره بازشناسی کلمه در فصل نخست کتاب از دیگر برجستگی‌های این کتاب است، چرا که زمینه را برای انجام پژوهش‌های دیگر از سوی دانشجویان آماده می‌کند.

در هر فصل، مطالب به‌نحو منسجمی مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته است. برای نمونه، در فصل سوم که دارای عنوان «طبقات واجی» است، با توجه به آنچه در مقدمه این فصل آمده است، نخست «نظریه منبع- صافی»، «نظریه ذره‌ای گفتار» و «نظریه پراکندگی توافقی» مطرح و معرفی شده است، سپس طبقات عمده واجی یعنی همخوان، غلت و واکه معرفی و تبیین شده است. همین نظم و انسجام در فصل‌های دیگر کتاب نیز دیده می‌شود. در کل نیز فصل‌های کتاب، کل به هم پیوسته‌ای را شکل می‌دهند و در آن آشفتگی دیده نمی‌شود، و به نظر می‌رسد، خواننده پس از خواندن این کتاب دید جامعی نسبت به نظام آوایی زبان فارسی پیدا می‌کند.

در منابع انگلیسی کتاب هم آثار کلاسیک و شناخته‌شده دیده می‌شود، هم آثار جدید. برای نمونه، هم به آثار هله، لدیفوگد، لَسو ... و هم آثاری که زمان انتشار آنها ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۱ و ... است، ارجاع داده شده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد، مولف به منابع انگلیسی توجه بایسته‌ای داشته است. در منابع فارسی کتاب، هم نام کتاب‌های قدیمی دیده می‌شود (برای نمونه، خانلری، ۱۳۴۵، سپنتا، ۱۳۵۵) و هم مقاله‌ها و رساله‌های دکتری که در چند سال اخیر در این زمینه نوشته شده است. بنابراین به‌طور کلی می‌توانیم بگوییم، مولف از منابع موجود به‌نحو مناسبی بهره برده است. در سراسر کتاب در هر موردی که مطلبی از منبعی گرفته شده، نشانی آن داده شده است. همین موضوع درباره شکل‌ها و جدول‌هایی که در کتاب دیده می‌شود نیز صادق است، و در هر مورد چنانچه شکل یا جدولی برگرفته از منبع دیگری است، نشانی آن در زیر آن شکل یا جدول داده شده است. در این اثر از منبعی بدون ذکر مأخذ آن استفاده نشده است.

با توجه به موضوع کتاب طبیعتاً امکان نوشتن مطالب به‌گونه‌ای که دارای جهت‌گیری خاصی باشد بسیار اندک است. در واقع، توصیف و تحلیل نظام آوایی زبان فارسی، همانند هر زبان دیگری، مبتنی بر واقعیات آوایی و فیزیکی است. این کتاب با توجه به آنکه به تقویت زبان فارسی، به‌عنوان یکی از زبان‌های اصلی جهان اسلام و زبان نخست جهان تشیع، کمک می‌کند و دارای تأثیرات سازنده و مثبت است.

۳. ارزشیابی کلی و پیشنهادها

از این کتاب می‌توان برای تدریس درس آواشناسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا استفاده کرد. این کتاب از هر لحاظ کتاب ارزنده‌ای است، و می‌توان گفت الگوی خوبی برای انجام پژوهش‌های دیگر در این زمینه، درباره زبان فارسی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایران، به‌دست می‌دهد. بسیار نیکو است اگر چنین کارهای دقیقی درباره گویش‌ها و زبان‌های دیگر ایران هم انجام گیرد.